

به امید ایجاد یک اتحادیه حقوقدانان واقعی افغانستان در اروپا

من در شهر کابل در یکی از دفاتر وکلای مدافع عضو مسلکی هشتم و چهار سال قبل از فاکولته حقوق پوهنتون کابل فارغ شدم. پدرکلانم قاضی یوسف نام داشت و مسلک او را بعد از شهادتش بدست عمال خاد، پدرم ادامه داد. من بعد از فراغت بسوی مسلک وکالت دفاع که در افغانستان یک مسلک مدرن تر میباشد، رو آوردم. در دفتر انترنت داریم و در اوقات بیکاری خود را با آن مصروف میسازم. از طریق انترنت با برخی تشکلهای، سایتها و نوشته های افغانهای مقیم اروپا هم آشنائی پیدا کردم. نام انجمن حقوقدانان افغان در اروپا، بنا به کشش مسلکی برایم در آغاز گیرا بود. بنابراین سری به وبسایت شان زدم. نامهای هیأت رهبری و فعالین برای من نا آشنا بود. نام ها را یادداشت نموده و از پدرم پرسیدم. پدرم چند تا نام را میشناخت. پدرم گفت اینها بناحق خود را حقوقدان معرفی کرده اند. وی گفت در لیست نامها تنها غلام سخی مصئون که دکتورای خود را در رشته حقوق خصوصی بین الدول گرفته حقوقدان محسوب شده میتواند ولی او یقیناً شیخ فانی است و از نامش برای ما مسما ساختن انجمن استفاده سوء بعمل می آید. پدرم یکی از معاونین رئیس را خوب می شناخت. این آدم در دورانی که حزبش حاکم بود محصل حقوق بود و کارمند با صلاحیت کمیته حزبی در فاکولته حقوق بود. چون کار حزبی میکرد، ادعا مینمود که بخاطر خدمت به انقلاب (!؟) در لکچرها حاضر نبوده و نمرات رایگان را به زور یا به رضا از استادان میگرفت. یکی از معجزات انقلاب شکوهمند ثور (!) اینبود که همین آدم بعد از فراغت بحیث اسپستانت در فاکولته حقوق شامل گردیده و در عین حال منشی کمیته حزبی فاکولته بود. قرار معلومات پدرم منشی های حزبی معمولاً در اختناق کشنده ای که در فاکولته ها حاکم بود و در ناپدید شدنهای محصلین و استادان نقش داشتند. معاون دومی نخست معاون شرف الدین شرف رئیس خارنوالی اختصاصی انقلابی بود و در دوران نجیب الله جانشین او گردید. همه میدانند که مستنطقین، خارنوالان اختصاصی و قضات محکمه اختصاصی همان مثلث شیطانی ای بودند که از دهقان و کارگر و محصل، طی چند هفته یا چند ماه معدود اعدامی میساختند و امر اعدامش را هم نجیب الله و کارمل امضا میکردند. عده دیگر اعضای رهبری، کمیته نظارت و هیأت تحریر که پدرم با نام آنها آشنا است، در دوران حکروانی روسها در افغانستان در پستهای روسا و اعضای دیوانهای محکمه اختصاصی انقلابی، خارنوالان اختصاصی انقلابی، مستنطقین خاد و غیره کار میکرد و به استثنای عده معدود، دانش حقوقی بقیه محدود به یک کورس استنطاق یا کورس کریمیل تخنیک کوتاه مدت در اتحادشوروی سابق میباشد.

با رجوع به نوشته های این عالیجنابان متوجه شدم که همه نوشته ها سیاسی، با ادبیات کلیشیه ای پرچی و فاقد جوهر حقوقی میباشند. شنیده ام در اروپا همه آنانیکه شهروند اند یا اقامت قانونی دارند، حق تشکیل انجمن را دارند. این حق قانونی شان است که انجمن بسازند. اگر این انجمن را (انجمن کارمندان امنیتی رژیم کمونیستی در اروپا) نام میگذاشتند، من اعتراضی نداشتم. اما استفاده ابزاری از نام حقوقدانان بحیث پوشش لوکس برای ماهیت درونی گنبد خادبیتها را قابل تحمل ندانسته و آنرا توهینی برای مسلک خود میدانم. خوشبختانه اخیراً با مقاله ای از یک آدم واقع بین و تحلیلگر بنام محمد موسی افتخار برخورد کردم و در وجود او همدردی یافتم. من این حقوقدان را تا حال نمی شناسم اما محتوی نوشته او بیانگر حقوقدان بودنش و نا رضائیتی و اعتراضیست که من هم دارم. امیدواری به اینکه این مستنطقین خاد، خارنوالان و قضات محکمه بدنام و تشنه به خون اختصاصی انقلابی از ادعای حقوقدان بودن بگذرند، وجود ندارد. وقتی کس از خادبیت بودن نشرمد و حاضر به اذعان به ارتکاب جنایات بیشمار علیه بشریت در دوران کارمل-نجیب نباشد، میتواند هر نوع لقب بی مسما را بخودنسبت دهد. اینها همان چشم سفیدانی اند که دیروز که قدرت داشتند در هر گام شان خشونت بیداد میکرد و قانون پامال میشد. شکنجه و محاکمه شکنجه شده کار روزمره شان بود، ولی حالا در مورد حاکمیت قانون کنفرانس به اصطلاح علمی برگزار میکنند. این موضوع مرا بیاد یک همکاری دیگر شان بنام حضرتگل حسامی انداخت. حضرتگل که هنوز هم در ستره محکمه دولت کنونی میلولد و لقب دروغین قضاوتپوه را بخودنسبت میدهد، طی یک مقاله که چند سال قبل در مجله بی مضمون قضا چاپ شد، کنوانسیون حقوق طفل را معرفی نموده است. حالانکه همین قاضی اختصاصی انقلابی در دوران اقتدار حزب صدها نوجوان را به جرایمی نظیر بخش شبنامه به سالها زندان محکوم مینمود و از هزاران طفل دیگر پدر بیگناه شان را گرفته و آنها را محکوم به زندگی یتیمی و محرومیت همه جانبه کرد.

در اخیر پیشنهاد من به حقوقدانان واقعی افغان در اروپا اینست که اتحادیه ای از مجرب ترین و پاک ترین حقوقدانان که درساحه آکادمیک و یا کار عملی حقوقی توشه بار قابل توجه ای داشته باشند، ایجاد نموده و با انتشارات با محتوای حقوقی، دانش حقوقی شان را به علاقمندان حقوق در داخل و خارج از کشور انتقال دهند.

www.goftaman.com